

## دین و دانش

شما اگر جانوری را مبتلا بامراض مقاربتی نشان دادید (باستثنای اشرف مخلوق)؛ در اینجا لازم است یاد آور شویم: که باز هم بحکم ناموس هم آهنگی ماده وقوه (قاعده الظاهر عنوان الباطن) - همینکه انواع حیوان در زندگی صوری پیرو سنت غریزه هستند - سبب شده که در زندگی معنوی هم الهام راهنمای آنان باشد؛ نتیجه این میشود که در انواع حیوان = هر فردی طیب خود و پیامبر خویش است؛

گر به درد دل را باچمن درمان میکند (وهنگامی که خیاستی وززیده: با هیچگونه تظاهر بمهربانی فریب نمیخورد و احتیاط فرار را از دست نمیدهد). روباه چون بدنش را کیک فرامیکرد - يك قطعه پوست بدهان گرفته از طرف دم آهسته آهسته در آب فرو میروود و بتدریج کیک هارا با قسمت بالای بدن میراند و این عقب نشینی مزورانه را آنقدر ادامه میدهد که از تمام بدن او دوسوراخ بینی (برای تنفس) از آب بیرون میماند و کیکها همه در آن قطعه پوست مجتمع میگردند در همین هنگام دشمن را (که برقایق پشمی سوار کرده است) نلگهان بموج حوادث میسپارد سری زیر آب کرده میجهد و راه بیابان را پیش میگیرد؛ میمون - و بارانازنج علاج میکند؛ مارمولک (چلیپاسه) - چون از جنک با مار فارغ میشود زهر مار را بافازهر هلاک «که ای» مرتفع مینسازد؛ سگ: نیمساعت پیش از وقوع زلزله زوزه میکشد.

✽ مصرع - مغز او: گیرنده امواج مغز خائن است! ✽

کبوتران پیش از آنکه اثری از کولاکهای باد و باران هویدا باشد سراسیمه به لانهها پناه میبرند، خروس در تاریکترین نقطه کلبه اوقات روز و شب را میشناسد چنانکه در هر پاسی (بدون قبول يك یا پاسی) سرود ستایش پروردگار عالم را مینوازد.

«الدیک یتول = اذکروالله ایها الغافلون»

پوسته چرا همی کند نوحه گری  
کز عمر شبی گذشت و تو بیخیری!  
(خیام)

دانی که سپیده دم خروس سحری  
یعنی که نمودند در آئینه صبح

اما نوع انسان - چون اکثر افراد آن در زندگی مادی پیرو سنت غریزه نیستند - در زندگی معنوی هم باب وحی و الهام بروی آنان مسدود میگردد.

( اینست که از بیماریها و گمراهیها مصون نیستند.)

در اینجا میتوانیم بگوئیم که کردگار جهان با کلیه افراد انواع حیوان و با فرد کامل انسان رابطه مستقیم دارد، لیکن با سایر افراد بشر (به بشر) رابطه اثر غیر مستقیم (بواسطه فرد کامل) است؛ و اینمطلب یکی از معجزات علمی کلام الله مجید میباشد.

« ما من دابة الا هو آخذ بناصيتها : ان ربي على صراط مستقيم »

### سورة هود

ممکن است اشکال شود که « قول به رابطه غیر مستقیم خداوند با بشر مهجور چگونه با مدلول کریمه « ونحن اقرب اليه من جبل الوريد » وفق خواهد داد؟! »

پاسخ این اعتراض - اینکه مراد ما ربط تشریحی است نه تکوینی زیرا هر چند نسبت حق بخلق (از جهت ربط علت به معلول) یکسان باشد منافات ندارد که در عین حال ماهیات ممکنات از حیث حدود ذاتی (اختلاف در قابلیت) در قبول فیض وجود از مبدء واجتماعی دارای تقدم و تاخر باشند.

بالجمله موجودات امکانیه نسبت بعلت در عرض همدیگر و نسبت به هم در طول یکدیگر می باشند پس کریمه « نحن اقرب » بیان نسبت علت بمعلول و آیه « وابتغوا اليه الوسيله » بیان اختلاف مراتب ممکنات است نسبت بیکدیگر (خواننده گرامی دقت فرماید).

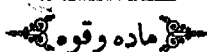
### کتاب آفاق و انفس

هر مجموعه از نقش و نگار = کتابی است که ضمیر نقاش و نگارنده را نمایان میسازد. صفحه وجود = کتاب بر نقش و نگار و آیات آفاق و انفس = جلوه اسرار حضرت پروردگار است :

۱- اجناس اول : (مقولات جواهر و اعراض) مقالات کتاب تکوین.

۲- انواع : مقالات کلمات تامات، افراد هر نوع - حروف این کتاب میباشد :

« ستریم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتین لهم انه الحق !! »



ماده وقوه (هیولی و صورت) - دو جهت قابل و فاعل جوهر (یادو وجهه از يك حقیقت) هستند. فرمانروائی قوه بر ماده مقول بتشكيك: یعنی دارای مراتب میباشد: چنانکه: اگر بخوایم معقول را محسوس کنیم (و کیف را به کم تشبیه نمایم) صورت که محرك هیولی میباشد: بهیئت مخروطی در میآید که قاعده آن بسوی پینهایت امتداد یافته

این مخروط دائماً از سمت رأس بر ماده وارد میشود و هیچگاه قاعده آن نمودار نمیگردد؛ این است سر ناموس نشو و ارتقاء (و فلسفه تکامل تدریجی نشاء تنزیل).

فعلیتهای کارگاه قوی: متوالی و دوائر مخروط صور: متتالی و دارای تسلسل عودی میباشد؛ لکن گاهی در نقطه های معین ازین مخروط دوائر برجسته می نمودار میشود که فواصل آنها: بنسبت تصاعد هندسی است!

تاکنون بر پیکر مخروط صور چهار دایره برجسته نمایان شده که: ۱- طبع معدنی ۲- نفس نباتی ۳- روح حیوانی ۴- عقل انسانی نام دارد:

این فواصل نشانهای بارز حرکت ماده «از نقص به کمال» میباشد. (لکن ناگفته نماند که عقل انسانی، مرز طبیعت، و ماوراء آن: ماوراء الطبیعه میباشد.)

هر چند با این بیان در نظام متسق عوالم وجود (از ذره های هیولائی تا دره بیضای عقلانی) هیچ موجودی نیست که بیجان باشد.

«وان من شیئی الا یسبح بحمده ولیکن لا تفقهون تسبیحهم»

(کلام الله مجید)



با تو میگویند روزان و شبان  
از شما نامحرمان ما خامشیم  
واقف از سر نباتی کی شوید

جمله ذرات زمین و آسمان  
ما سمیعیم و بصیریم و هشیم  
چون شد اسوی جمادی میروید

از جمادی سوی جان جان روید غلغل اجزاء عالم بشنوید  
 عارف قیومی (جلال‌الدین رومی)  
 لکن نظر باصل تشکیک وجود (واختلاف مدارج نفس و کمال) - میتوان  
 هر مرتبه دانی را نسبت به عالی مرده دانست - چنانکه مثلاً:  
 زنده به حیوانیت مرده از انسانیت میباشد.  
 «افمن کان میتا فجعلنا له نوراً یمشی به فی الناس کمن مثله فی الظلمات  
 لیس بخارج منها؟»

تنزیل حکیم (سوره مائده)

در اینجا ناگزیریم که سخن از غریزه حیات از نظر طبیعی به میان آوریم.

### غریزه حیات

لکن چون موت و حیات نیز امر نسبی و مقول بتشکیک است - پس ما میتوانیم  
 از عوالم جماد - نبات - حیوان - انسان: هر مرتبه قبلی را نسبت به مراتب بعدی -  
 بیجان بشناسیم.

در اینجا لازم است که باز هم متذکر شویم که در دو کتاب آفاق و انفس نیز  
 جهان، قطب منفی و انسان - قطب مثبت است (و باقی انواع - مراتب برزخی بین این  
 دو قطب می باشند).

### وقف کتابچه مدیره فیه فی

و چون انفس بر آفاق پیشی و انسان بر جهان پیشوایی دارد - پس جهان کتاب  
 مین و انسان امام مین است، و نیز چون هر چه در وجود جهان فرقانی (که یوم النشراست)  
 بطور تفصیل وجود دارد: در وجود انسان قرآنی (که یوم الطی میباشد) بطور اجمال  
 موجود است که: «وکل شیئی احصیناه فی امام مین» - پس آدم: ام الكتاب وعالم:  
 فصل الخطاب می باشد.

(آدم آن ام الكتاب وعالم آن فصل الخطاب معنی قرآن و فرقان گفتم از داناستی)  
 حشر انواع:

در کتاب انفس تمام جنبندگان زمین و پرندگان آسمان: امتهای سنن لایزالی  
 حضرت پروردگار می باشند و همین کلمات تامات (که ما متدحلقات زنجیر یکدیگر اتصال دارند)  
 (۴۶)